

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی- قرآنی»

سال سوم/ شماره اول/ بهار ۱۳۹۴

بازتاب مفاهیم قرآنی پاداش و کیفر اعمال در شاهنامه

رضا شجری ۱، حمیدرضا جوادی نوش آبادی ۲

چکیده:

جهان هستی، جهان مکافات است و هر عمل انسان عکس‌العملی در دنیا و آخرت دارد. پاداش و کیفر از موضوعات مهم متون دینی است و در تمام ادیان الهی به طرق و گونه‌های مختلف مطرح گردیده است، در هیچ کتاب آسمانی نیست که از پاداش و کیفر اعمال سخن به میان نیامده باشد، تنها وجه تمایز آن در شیوه بیان و نوع پاداش و کیفر و زمان و مکان است.

قرآن بارها در سور و آیات گوناگون به ویژه ضمن بیان احوال و رفتار گذشتگان و تمثیل نیکوکاران و بدکاران، به پاداش و عقوبت دنیوی و اخروی آن‌ها اشاره کرده است. احادیث و روایات معصومین (ع) نیز در این زمینه به قدری است که می‌توان با استفاده از آن‌ها به تبیین و تحلیل بیشتر و جزئی‌تری از موضوع دست یافت. فردوسی به عنوان یک شاعر حکیم و آشنا با متون اسلامی و زرتشتی، با به دست آوردن آگاهی از سرگذشت پیشینیان و مشاهده ناکامی بیدادگران و کامیابی دادجویان، این موضوع اخلاقی را با زبان‌ها و بیان‌های گوناگون در قالب حکمت‌ها و آموزه‌های اخلاقی بیان کرده است. مقاله حاضر به بررسی موضوع پاداش و کیفر در شاهنامه اختصاص دارد و می‌کوشد جوانب گوناگون دیدگاه فردوسی را درباره این موضوع مورد مطالعه قرار دهد. از آن جا که شاهنامه رفتار پادشاهان گذشته را روایت می‌کند نگاه فردوسی بیشتر بر بیان رفتارهایی است که سازگاری بیشتری با این طبقه اجتماعی دارد و نیکوکاری یا کج‌رفتاری آن‌ها می‌تواند تأثیر شایسته و یا زیان‌باری در جامعه ایجاد کند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، روایات، پاداش، کیفر، شاهنامه، فردوسی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۰۵

^۱. دانشیار دانشگاه کاشان shajari@yahoo.co.uk

^۲. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه / hjavad95@yahoo.com

مقدمه

پاداش از ریشهٔ «پات دهشن» که مرکب از «پات» به معنای ضد و «دهشن» به معنای بخشش و عطا، سزا، کیفر و تلافی آمده است و در فرهنگ‌ها و متون مختلف غالباً برای سزای اعمال نیک به کار برده می‌شود. در مقابل آن کیفر اگر چه غالباً برای سزا و جزای رفتار و اعمال بد به کار برده می‌شود ولی گاه در فرهنگ‌ها این اصطلاح در معنای سزای نیکی و بدی (هر دو) یاد شده است. به هر حال ریشهٔ این واژه نیز در پهلوی و اوستا ترکیبی از پیشوند (pat) و (fras) در معنای پرسیدن است، ساخته شده است. لذا می‌توان معنای کیفر را همان بازپرسی یا مؤاخذه دانست (کزازی، ۱۳۸۶: ۳۶۹). در این مقاله نگارندگان پاداش را به عنوان جزای اعمال نیک و کیفر را برابر اعمال بد و شر به کار برده‌اند.

پاداش و کیفر در ادیان آسمانی

مسئلهٔ پاداش و کیفر اعمال انسان در تمام ادیان الهی به طرق و گونه‌های مختلف مطرح گردیده است. در هیچ کتاب آسمانی و دینی نیست که از پاداش و کیفر اعمال گفتگو نشده باشد، تنها وجه تمایز آن در شیوهٔ بیان و نوع پاداش و کیفر و یا زمان و مکان است.

در آیین یهود، از پاداش و کیفر به نام «میصوا» یاد شده است، آن‌ها معتقدند نیکوکاران پاداش اعمال خود را در بهشت و بدکاران کیفر اعمالشان را در گهینوم^۱ می‌بینند. «عادلان پاداش خویش را در بهشتِ عدن و بدکاران مجازاتشان را در گهینوم دریافت می‌دارند، گهینوم هم برزخ است و هم دوزخ» (آنترمن، ۱۳۸۵: ۵۷).

مسیحیان نیز بر این باورند که هر عملی در جهان هستی، بازتابی در پی دارد؛ به تعبیر دیگر هر انسانی چه نیکوکار و چه بدکار، نتیجهٔ رفتار و اعمال خویش را خواهد دید؛ «در روز قیامت، گناهکاران و بدکاران به جهنم روانه می‌شوند و نیکوکاران به بهشت در آن‌جا نیکوکاران حیات ابدی می‌یابند و در پادشاهی و حکومت خداوند شرکت می‌کنند و بدکاران به آتش ابدی که برای ابلیس آماده شده است، گرفتار می‌شوند» (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۲۵۳). حتی مسیحیان معتقدند،

^۱ گهینوم در اصل، دره‌ای است در اورشلیم در دامنهٔ غربی تپهٔ صیون که در کنعان باستان در آن برای بت "مولخ" کودکان خردسال را قربانی می‌کرده‌اند. طبق پیش‌بینی ارمیای نبی، این دره در روز قیامت مجازاتگاه بزهکاران خواهد بود (حییم شختر

کسانی که پیامبران و امامان را ندیده‌اند و کتاب آسمانی و احکام خدا را نخوانده‌اند، مجازات خواهند شد. چون در درونشان وجدان هست و این وجدان راه خوب و بد را برایشان مشخص می‌کند، چنان‌که آمده است: «خدا شخص گناهکار را هرکه باشد مجازات خواهد کرد؛ برای مثال، مردم وحشی و از همه جا بی‌خبر که در جنگ‌ها زندگی می‌کنند، اگر مرتکب گناه شوند، خدا مجازاتشان خواهد کرد چون ایشان با اینکه هیچ‌گاه کتاب آسمانی و احکام نوشته شده خدا را نخوانده‌اند، اما در عمق وجدانشان، خوب را از بد تشخیص می‌دهند. پس در حقیقت احکام خدا در وجدانشان نوشته شده است و به همین دلیل وقتی کاری نیک انجام می‌دهند، وجدانشان آرام می‌گیرد و هرگاه عمل بدی مرتکب می‌شوند وجدانشان، ایشان را سرزنش می‌کند» (انجیل مقدس، ترجمه تفسیری، ۱۳۵۷: ۱۹۸).

از دیدگاه زرتشتیان نیز، هر عملی در جهان انجام شود چه نیک و چه بد، سرانجام کیفر و پاداشی در پی دارد، این کیفر و پاداش گاه در دنیا و یا در سرای آخرت یا در هر دو (دنیا و آخرت) به نیکوکار یا تباہکار داده می‌شود، چنان‌که آمده است: «پارسایان در برابر کارهای نیکی که کرده‌اند، پاداش جاودانه پایدار می‌گیرند و به آن‌ها در برابر هر آنچه انجام داده‌اند یا پرهیز کرده‌اند، اجر و مزد می‌رسد» (مشکور، بی‌تا: ۴۴).

ب) قرآن و متون اسلامی:

در متون اسلامی به پاداش و کیفر در دنیا و آخرت بسیار تأکید شده است. قرآن، انگیزه پاداش و کیفر نیکوکاران و بدکاران را در دو منظور کلی بیان می‌کند:

۱. پاداش و کیفر از اهداف آفرینش است؛ به بیان دیگر، اگر نیکوکاران به پاداش اعمال و بدکاران به کیفر اعمال زشت خود نرسند، هدف آفرینش بیهوده خواهد بود. در قرآن بارها به این مسئله تأکید شده است. در سوره جاثیه آمده است:

«وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»

(جاثیه: ۲۲)

خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است و هدف آن است که هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است، جزا داده شود، در حالی که هیچ ستمی به آن‌ها نخواهد شد.

به طور کلی از این دیدگاه، پاداش و کیفر در دنیا در راستای هدف خلقت و در آخرت، غایت و هدف خلقت خواهد بود.

۲. پاداش و کیفر از لوازم عدالت الهی است و این عدالت ایجاب می‌کند، نیکوکار و بدکار هر- کدام در جایگاه خویش قرار بگیرند و به پاداش و کیفر خود برسند. آیات متعددی به این نکته تصریح دارند. در سوره «ص» آمده است:

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ
* أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ»

(ص: ۲۷ و ۲۸)

ما آسمان و زمین و آنچه در بین آن دو است را به باطل خلق نکردیم و این پندار غلط کسانی است که کافر شدند. پس وای به حال کافران از عذاب آتش دوزخ. آیا آنان که به خدا ایمان آورده‌اند و عمل صالح کرده‌اند، همچون مفسدان در روی زمین قرار می‌دهیم و یا پرهیزگاران را همچون فاسقان قرار می‌دهیم؟

علاوه بر قرآن، احادیث و روایات نیز بیانگر این است که هر عمل فرد در این جهان، پاداش و کیفری را در پی خواهد داشت، چنان‌که هر کس رفتار و کردار ناشایستی داشته باشد، کیفر - اعمال خویش را خواهد چشید. این کیفر ممکن است همانند پاداش، در این جهان یا در سرای آخرت باشد.

امام باقر(ع) می‌فرماید: «صَلَةُ الْإِرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ وَ تَدْفِعُ الْبَلْوَى وَ تَيْسِّرُ الْحِسَابَ وَ تُنَسِّيَ الْإِجْلَ» (کلینی رازی، ۱۳۲۹، ج ۲: ۱۵۸).

صلهٔ رحم، اعمال را طاهر، ارزاق را زیاد و بلا را دفع می‌کند، حساب را آسان و مرگ را به تأخیر می‌اندازد.

باز در روایتی از امام علی(ع) نقل شده است: «ظَالِمُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْبُوبٌ بِظُلْمِهِ مَحْرُوبٌ مُعَذَّبٌ» (انصاری، بی تا، ج ۱: ۴۷۷).

ستم‌کننده به مردم به واسطه ستمکاری‌اش، روز قیامت سرافکنده است و خشم یافته و گرفتار است.

انواع پاداش و کیفر در متون دینی

با توجه به آموزه‌های دینی اعم از اسلامی و غیر اسلامی، می‌توان پاداش و کیفر را به سه دسته تقسیم کرد:

الف) پاداش و کیفر دنیوی: پاداش و کیفر کارها و اعمال انجام شده در همین دنیا داده می‌شود، آیات و روایات زیادی وجود دارد که درباره پاداش دنیوی صالحان و مؤمنان گفتگو می‌کند.

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶)

همانا آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند، خدای رحمان آن‌ها را محبوب می‌گرداند.

یا در روایتی از امام باقر(ع) می‌خوانیم:

نیکی و صدقه، فقر را برطرف، عمر را افزایش و هفتاد نوع مرگِ سوء را برطرف می‌سازد (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۲۲).

ب) پاداش و کیفر اخروی: بعضی از کارهای نیک و بد چندان وسعت دارند که پاداش و کیفر دنیوی

نمی‌تواند با آن‌ها برابری کند، مثلاً جنایتکاری که صدها نفر را کشته است، نمی‌توان تنها در دنیا او را کیفر داد؛ حتی اگر اعدام شود، باز به کیفر گناه سنگین خود نمی‌رسد. چنین کسی باید علاوه بر عقوبت دنیوی، عذاب شدید الهی را نیز در آخرت تحمل کند. امام علی(ع) می‌فرماید: خداوند سبحان بر اثر دنیا و عدم ظرفیت آن راضی نگشت که آن را پاداش دوستان خود و کیفر دشمنانش قرار دهد (دشتی، ۱۳۸۳: حکمت ۴۱۵). چنان‌که در قرآن آمده است:

«أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَ يُلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا» (فرقان: ۷۵).

اینانند که به پاس آن که صبر کردند، غرفه‌های بهشت را پاداش خواهند یافت و در آنجا با سلام و درود مواجه خواهند شد.

ج) پاداش و کیفر دنیوی و اخروی: بعضی از اعمال نیک و بد انسان‌ها علاوه بر پاداش و کیفر اخروی، پاداش و کیفر دنیوی نیز دارد. آیات و روایات زیادی به این نکته اشاره کرده است:

«كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ * فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۲۵ و ۲۶)

آنان که پیش از این امت بودند نیز پیغمبران خود را تکذیب کردند و از جایی که پی نمی‌بردند، عذاب قهر حق بر آن‌ها فرود آمد و خدا عذاب ذلت و خواری در دنیا را به آن‌ها چشانید در صورتی که عذاب آخرت آن‌ها اگر بدانند، سخت‌تر است.

انواع پاداش‌های دنیوی و اخروی

پاداش‌ها و کیفرهای دنیوی و اخروی به دو دسته تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شوند که شرح آن در این مقدمه نمی‌گنجد و تنها به ذکر نمونه‌هایی بسنده می‌شود.

پاداش‌های تکوینی، همان سبب‌سازهایی است که خداوند متعال به وسیله آن انسان‌ها را در مسیر زندگی مادی و معنوی کمک می‌کند. این پاداش‌ها به سه قسم پاداش‌های نتیجه‌ای، توفیقی و مکافات‌ی تقسیم می‌شود.

۱) پاداش تکوینی

الف) پاداش‌های نتیجه‌ای: پاداش‌های نتیجه‌ای همان رسیدن به نتایج اعمال و تلاش‌های انجام شده است. قرآن در این زمینه می‌فرماید:

«وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ» (آل

عمران: ۱۴۵)

هر کس پاداش دنیوی و نتیجه‌های دنیوی را بخواهد و در زندگی خود در این گام بردارد، چیزی از آن به او خواهیم داد و هر کس پاداش آخرت بخواهد، از آن به او می‌دهیم و به زودی شاکران را پاداش خواهیم داد.

ب) پاداش‌های توفیقی: این پاداش ویژه اهل احسان و ایمان و اهل تقواست و مفهوم آن این است که گاه پس از آن که انسانی نیکوکار و باتقوا در انجام کار نیک گام می‌گذارد، در هنگام انجام وظیفه یا پس از آن، خداوند متعال درهای خیری برای او می‌گشاید و توفیقاتی را نصیب او می‌گرداند که اگر آن کار نیک را انجام نمی‌داد به آن توفیق نیز دست نمی‌یافت (رنجبری، ۱۳۸۴: ۳۳). در بعضی از آیات به این پاداش اشاره شده است؛ خداوند متعال می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶).

اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی می‌کنند، ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشاییم.

ج) پاداش‌های مکفاتی: برخی از پاداش‌های الهی در دنیا، پاداش‌هایی است که همانند آن را فرد در حق دیگری انجام داده است، از آن به عنوان پاداش مکفاتی یاد می‌کنیم. برای نمونه، امروز شما به فرزندان دیگران نیکی و احسان می‌کنید، در آینده به فرزندانتان نیکی و احسان می‌شود. یا در حفظ و نگهداری سرمایه‌های مردم می‌کوشید، در نگهداری اموالتان نیز عنایت می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (سبأ: ۳۹).

و آنچه در راه خدا انفاق می‌کنید، خداوند جای آن را پر می‌کند و او بهترین روزی‌دهندگان است.

۲) پاداش‌های تشریحی

برخورد قدرشناسانه به عنوان پاداش از وظایف بندگان است، از این رو به عنوان پاداش‌های تشریحی یاد می‌شود. قرآن می‌فرماید:

«وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا»

(نساء: ۸۶).

هنگامی که به شما تحیت گوید، پاسخ آن را به طرز بهتر بدهید و یا لاقبل به طور مساوی پاسخ گویند به درستی که خداوند بر هر چیزی حفیظ و حسابگر است.

انواع کیفرهای دنیوی

کیفرهای دنیوی نیز در دنیا به اقتضای حکمت و ربوبیت الهی است و برای بیداری و تنبیه و برگشت به سوی خدا و سرانجام با هدف استیصال و پاک کردن زمین از ناهلان و عبرت‌آموزی برای آیندگان است. کیفرهای تکوینی، همان سختی‌ها و گرفتاری‌های مادی و معنوی فردی و اجتماعی است که در مواردی عقوبت برخی گناهان می‌باشد (هرچند در مواردی نیز جنبه عقوبت نداشته، بلکه به عنوان امتحان یا ترفیع درجه بوده است که ویژه اولیا و بندگان شایسته الهی می‌باشد) بلاهای آسمانی و زمینی همچون زلزله، صاعقه، طوفان و سیل‌های بنیان‌کن و خشک‌سالی - ها که گاه به حیات بسیاری از افراد یا اقوام پایان می‌بخشد، نمونه‌ای از عقوبت‌ها و کیفرهای تکوینی است.

کیفرهای تشریحی نیز برای گناهیانی است که جنبه اجتماعی دارد و انجام، شیوع و علنی شدن آن‌ها، سلامت جامعه را تهدید می‌کند و به لحاظ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی جامعه را دچار بحران می‌سازد و سعادت و سلامت دنیایی و آخرتی جامعه اسلامی را به خطر می‌اندازد و از این رو، اجرای این کیفرها با وجود شرایطش، نه تنها خشن و تند نیست، بلکه تساهل و تماسح در اجرای آن‌ها پیامدهای زیان‌باری را به دنبال دارد (رنجبری، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

برای نمونه در قرآن به قانون قصاص تصریح شده و اجرای آن، سبب حیات جامعه انسانی دانسته است:

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۹).

و قصاص برای حفظ حیات شماست، ای خردمندان تا مگر از قتل یکدیگر بپرهیزید.

انواع پاداش‌ها و کیفرهای اخروی

الف - پاداش‌ها و کیفرهای جسمانی و روحانی

پاداش‌ها و کیفرها در آخرت دو جنبه دارند که در آیات و روایات به دو قسم آن اشاره شده است، ولی چون عموم مردم به جنبه‌های جسمانی بیشتر توجه دارند و آن را بهتر درک می‌کنند، از پاداش و کیفر جسمانی بیشتر سخن رفته است. در سوره آل عمران با اشاره به هر دو نوع پاداش جسمانی و روحانی بهشت و رضوان الهی آمده است:

«قُلْ أُوْتِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران: ۱۵).

آیا شما را از این سرمایه‌های مادی بهتر است؟ برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده‌اند، در نزد

پروردگارشان باغ‌هایی است که نهرها از زیر درختانش می‌گذرد، همیشه در آن خواهند بود و همسرانی پاکیزه و خشنودی خداوند نصیب آن‌هاست و خداوند به امور بندگان بیناست.

ب- پاداش‌های تجسمی و پاداش‌های تفضلی

گرچه ماهیت اصلی پاداش و کیفر، همان تجسم عمل و ظهور صورت‌های ملکوتی اعمال است که به صورت‌های گوناگون از نعمت و نعمت درآمده و بهشت یا جهنم را می‌سازد چنان که در قرآن آمده است:

«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا» (آل عمران: ۳۰).

روزی که هر انسانی هر کار نیک و بدی را که انجام داده است، نزد خود حاضر می‌یابد و آرزو می‌کند که میان او و عمل زشتش فاصله مکانی یا زمانی بسیاری وجود می‌داشت.

ولی چون سنت الهی در پاداش بر مبنای فضل و احسان الهی استوار است، بخش زیادی از پاداش‌ها عطا و احسان محض است، چنان که در قرآن آمده است:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» (نمل: ۸۹).

هر کس نیکی بیاورد، پاداشی بهتر از آن بیابد و هم از هول و هراس قیامت ایمن باشند.

ج - پاداش‌ها و کیفرهای برزخی و قیامتی

زندگی آخرتی انسان، با مرگ آغاز می‌شود و در دو مرحلهٔ برزخ و قیامت سپری می‌گردد و در برزخ پایان می‌پذیرد. ولی زندگی آخرتی در قیامت جاودان است. هیچ کس بی فاصله پس از مرگ وارد قیامت نمی‌شود، زیرا قیامت زمان یک سلسله انقلاب‌ها و دگرگونی‌های کلی در تمام نظام عالم است. آیات و روایات فراوانی در این نوع پاداش و کیفر است، چنان‌که در سورهٔ آل-عمران آمده است:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»
(آل‌عمران: ۱۶۹-۱۷۰)

هرگز گمان مبر کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مردگان‌اند بلکه آن‌ها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. آن‌ها به دلیل نعمت‌های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحال‌اند و به خاطر کسانی که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند (مجاهدان و شهیدان آینده) خوش وقت‌اند که نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمی خواهند داشت و از نعمت خدا و فضل او شادمان‌اند و خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی‌سازد.

همچنین از زندگی شقاوت‌مندانهٔ آل فرعون در عالم برزخ آمده است:

«فَوْقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكُرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ * النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (غافر: ۴۵-۴۶).

عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد (عذاب آن‌ها) آتش است که هر صبح و شام بر آن‌ها عرضه می‌شود و روزی که قیامت برپا شود (گفته می‌شود) آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید.

پاداش و کیفر در شاهنامه

ادبیات ایران بخصوص آثار حکمی و تعلیمی آن چنان مفاهیم گوناگونی را از سرچشمه‌های پر برکت الهی وام گرفته که بدون آشنایی با قرآن و حدیث، آگاهی نسبت به تمامی زوایای

سروده ها و نوشته‌های شعرا و نویسندگان ایرانی به امری محال مبدل شده است. ادبیات فارسی اثرپذیری انکارنشدنی و شگفت‌انگیزی از قرآن کریم و به تبع آن احادیث و روایات نبوی و امامان معصوم داشته است. پاداش و کیفر، موضوعی است که در اشعار شاعران برجسته و بزرگ به گونه‌های مختلف بازتاب یافته است. فردوسی از جمله شاعرانی است که با بیان مستقیم و یا غیر مستقیم به این موضوع پرداخته و یا استفاده از متون دینی و حکمی و حتی آموزه‌های مزدایی، انواع و ابعاد آن را در حکایات و داستان‌های خویش تبیین کرده است.

الف) پاداش

فردوسی با مطالعه متون دینی بارها پاداش و کیفر را در شاهنامه مورد بررسی قرار داده است. او از شاعرانی است که با استفاده از آموزه‌های دین زرتشت و با اثرپذیری از مکتب شکوهمند اسلام، در داستان‌ها و روایات پهلوانی گاه با زبان تمثیل و گاه صریح و آشکار به بیان موضوع پرداخته است. او معتقد است، جهان هستی جهان مکافات است و هر تخمی در این دنیا کاشته شود در جهان آخرت درو خواهد شد:

یکی داستان گویم ار بشنوی همان بر که کاری همان بشنوی

(حمیدیان، ۱۳۸۸: ۳۹)

نگر تا چه کاری همان بدروی سخن هر چه گویی همان بشنوی

(همان: ۲۰۲)

همان بر که کاری همان بدروی سخن هر چه گویی همان بشنوی

(همان: ۷۱۸)

از دیدگاه فردوسی، هر کس کردار نیک انجام دهد، مانند تخمی است که در دنیا می‌کارد و ثمره آن را که همان بهشت جاویدان است، در جهان آخرت درو خواهد کرد و هر تخم بدی که بکارد، بار بد درو خواهد کرد و دوزخ نصیب او خواهد شد:

بدان گیتیش جای ده در بهشت برش ده ز تخمی که ایدر بکشت

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۳۴۱)

همی سرو کشت او به باغ بهشت ببیند روانش درختی که کشت

(همان، ج ۷: ۳۶۷)

اعمال پاداش‌مند در شاهنامه

فردوسی در لا به لای داستان‌ها و روایات اساطیری و تاریخی، چنان‌که شیوه اوست، لب به پند و حکمت خوانندگان می‌گشاید و آن‌ها را به خرد ورزی، دینداری، جوانمردی و آزادی و پرهیز از کژی و نادانی بخصوص بیداد، آز و خشم دعوت می‌کند، او معتقد است اگر انسان به خرد خویش رجوع کند و رفتار خود را مطابق خرد تنظیم نماید، سعادت دنیا و آخرت را به دست خواهد آورد:

خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴)

از نظر او، بخشش شهریاران نیز موجب ارجمندی و فرخندگی آنان در نظر زبردستان است و شادی و آبادی جهان را به همراه دارد:

چو بخشنده باشی گرامی شوی به دانایی و داد نامی شوی

(همان: ۱۳۲)

داد و دهش، رمز کامیابی، خوشنامی و بلند آوازی مردم، بخصوص پادشاهان است:

چو با داد بگشاید از گنج بند بماند پس از مرگ نامش بلند

(همان، ج ۸: ۱۳۵)

او بارها پادشاهان و پهلوانان و سایر مردم مخاطب خویش را به نیکی و خوش رفتاری بخصوص با زبردستان توصیه می‌کند و آن‌ها را سرمایه سعادت دنیوی و اخروی می‌داند:

تا تو زنده‌ای سوی نیکی گرای مگر کام یابی به دیگر سرای

(فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۸۷۳)

اگر نیک باشی بماندت نام به تخت کیی بر بوی شادمان

(همان: ۸۷۳)

چنین داد پاسخ که کردار نیک بیابد بهر جای بازار نیک

(همان، ج ۸: ۲۸۶)

علاوه بر این فردوسی گاه برای باورمند ساختن مخاطبان و خوانندگان به این که پاداش نیکی، نیکی و کیفر بدی، بدی و هیچ رفتار شایست و ناشایست در این جهان بی‌پاسخ نمی‌ماند و هیچ گفتاری بی‌پژواک نیست، به بیان داستان‌ها می‌پردازد که نمونه‌هایی از آن را اشاره می‌کنیم:

۱. در داستان بهرام و لنبک و براهام، لنبک مردی آبکش، جوانمرد، خوش‌منش و مهمان‌نواز است:

سقایست این لنبک آبکش جوانمرد و با خوان و گفتار خوش
 به یک نیمه‌روز آب دارد نگاه دگر نیمه مهمان بجوید ز راه
 یک روز بهرام به خانه لنبک می‌آید، لنبک با آغوشی باز از او استقبال می‌کند و با روی خوش پذیرایی می‌کند و هر چه در خانه دارد، برای وی فراهم می‌کند و بهرام تصمیم می‌گیرد روز بعد خانه او را ترک کند. ولی لنبک با اصرار زیاد از وی می‌خواهد تا روزی دیگر در سرای او باشد. در آن روز خریدار آبی یافت نمی‌شود. لنبک به ناچار پیراهنش را می‌فروشد و مقداری گوشت می‌خرد تا برای مهمان خویش غذایی تهیه کند:

بشد لنبک و آب چندی کشید خریدار آبش نیامد پدید
 غمی گشت و پیراهنش درکشید یکی آبکش را به بر برکشید
 بها بستد و گوشت بخريد زود بیامد سوی خانه چون باد و دود
 سرانجام تقدیر، پاداش این خوش‌منشی و پاکدلی و مهمان‌نوازی لنبک را می‌دهد و به میانجیگری بهرام‌گور، دارای ثروتی هنگفت می‌شود:

از آن صد شتر وار زرّ و درم ز گستردنی‌ها و از بیش و کم
 جهاندار شاه آبکش را سپرد بشد لنبک از راه گنجی ببرد
 (همان: ۳۱۰-۳۱۹/ب-۱۱۲-۲۵۴)

۲. در داستان بهرام و زن شیردوش، زن شیردوش که در نهایت تنگ‌دستی بود، بهرام را به مهمانی فرا می‌خواند و با پاکدلی و خوش‌رویی از او پذیرایی می‌کند و هر چه در خانه دارد برای

او آماده می‌کند و از شوهرش می‌خواهد حتی بره‌ای که دارد سر ببرد تا برای او طعام آماده کند مرد با این تصمیم او مخالفت می‌کند و دلیل او این است که این ذخیره زمستان و فصل سرماست اما زن نمی‌پذیرد و سرانجام مرد، بره را می‌کشد و زن برای بهرام، دیگی هریسه آماده می‌کند:

همی گفت انباز و نشنید زن که هم نیکپی بود و هم رای زن
 بره کشته شد هم به فرجام کار به گفتار آن زن ز بهر سوار
 چو کشته شد دیگی هریسه بیخت برند آتش از هیزم نیم سخت
 سرانجام تقدیر، زن شیردوش را به دلیل مهمان‌نوازی و پاکدلی وی به میانجیگری بهرام به کام می‌رساند و از ناداری می‌رهاند:

برو گفت بهرام کای روزبه تو را دادم این مرز و این خوب ده
 همیشه جز از میزبانی مکن برین باش و پالیزبانی مکن
 بگفت این و خندان بشد زان سرای نشست از بر باره بادپای
 بشد زان ده بی نوا شهریار بیامد به ایوان گوهر نگار

(همان: ۳۷۹-۳۸۵/ب ۱۳۰۳-۱۴۱۸)

۳. در داستان بهرام و بازرگان و شاگرد، تقدیر، شاگرد بازرگان را به سبب گشاده‌دستی و سخاوت او پاداش می‌دهد و به میانجیگری بهرام، وی را در جایگاه بازرگان می‌نشانند (همان: ۴۶۳/۶).

از این دست داستان‌ها و حکایات نمونه‌های دیگری نیز می‌توان یافت که بیان آن در حوصله مقاله نمی‌گنجد.

ب) کیفر

چنان‌که اشاره شد هر کس رفتار و کار ناشایستی نیز داشته باشد، کیفر اعمال خویش را خواهد چشید، این کیفر ممکن است در همین دنیا نیز به او برسد؛ به تعبیر دیگر گردش روزگار بادافره گناه هر کس را به او می‌چشانند:

جهان را نباید سپردن به بد که بر بدکنش بی‌گمان بد رسد

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۲۳)

فردوسی معتقد است، هرچه در آخرت نصیب انسان می‌شود، همان اعمالی است که در دنیا آن را ساخته است و پاداش نیکی، نیکی و کیفر بدکرداری بدی است، چراکه هر کس مهمان عمل خود است:

کنون روز بادافره ایزدی است مکافات بد را ز یزدان بدی است

(همان، ج ۴: ۳۲۲)

از دیدگاه فردوسی، کردار بد انسان، مانند درختی است که ثمره آن نیز بد و تلخ است. انسانیت وجود انسان تحت تأثیر اعمال و رفتار اوست. اعمال بد و نیک، درخت وجودی و ثمره آن را تشکیل می‌دهند:

چنین داد پاسخ که کردار بد به سان درختی است با بار بد

(همان: ۱۳۱۱)

فردوسی توفیق دست یابی به موهبت فره ایزدی را نیز در سایه پاکي و پالودگی از بدی‌ها و کژی‌ها می‌داند:

چنان شاه پالوده گشت از بدی که تابید ازو فره ایزدی

(فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۷)

کسی که رفتار و کردار زشت داشته باشد، نه تنها عقوبت اخروی دارد بلکه روزگار در این دنیا، کیفر عملش را به او خواهد چشاند:

و گر بدنشان باشی و بدکنش ز چرخ بلند آیدت سرزنش

(همان، ج ۲: ۱۴۷)

ز بدها چه آمد مر او را بگوی چه افکند بند سپهرش به روی

(همان، ج ۴: ۴۴۶)

گناهان کیفرمند در شاهنامه

از آن جا که شاهنامه ، رفتار پادشاهان گذشته را روایت می کند، فردوسی نیز بیشتر به پاداش و عقوبت رفتارهایی پرداخته که امکان ابتلا و بروز آن در پادشاهان و حاکمان جامعه بیشتر است. کنهانی چون بیداد و ستم ، پیمان شکنی، خود خواهی و خود کامگی ، حرص و افزون طلبی و ... که عواقب سخت و زیان بارتری برای جامعه دارند نمونه را:

۱- ظلم و بیداد

فردوسی بر این باور است بیداد، صفت شهریان و افرادی است که از خرد روی برتافته، راهی جز راستی پیشه کرده‌اند. آنان کج رفتار و اهل باطل‌اند و از بیداد خود چیزی جز غم و اندوه نصیبشان نمی‌شود و تخت و پادشاهیشان را از دست می‌دهند:

که هر کو به بیداد جوید نبرد جگر خسته بازآید و روی زرد
چو خسرو به بیداد کارد درخت بگردد برو پادشاهی و تخت

(فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۷۴)

او معتقد است، همان‌گونه که داد شاهان و بزرگان بر طبیعت تأثیر مثبت می‌گذارد و موجب بارندگی و شکوفایی سبزه‌زاران می‌شود، بیداد نیز علاوه بر این که ارکان پادشاهی و زندگی را نابود می‌کند، طبیعت را هم از بین می‌برد:

چو بیدادگر شد جهاندار شاه ز گردون نتابد به بایست ماه
به پستان‌ها در شود شیر خشک نبوید به نافه درون بوی مشک
زیان در جهان آشکارا شود دل نرم چون سنگ خارا شود

(همان، ج ۶: ۴۷۳)

او رفتار بد مردم را نیز بازتاب کردار پادشاهان و حاکمان جامعه خویش می‌داند و گناه و عقوبت آن را نیز متوجه همان بیدادگران:

چو بیدادگر شد شبان با رمه بدو بازگردد بدی‌ها همه

(همان، ج ۸: ۳۴۹)

تیشه ای که پادشاه بیداد گر تیز می کند نخست پایه های پادشاهی را خواهد کند و آتش ستمی را که او می افروزد چشمان او را تیره و تار خواهد کرد.
 که هر کس که بیداد جوید همی به جز دود آتش نبیند همی
 (همان، ج ۵: ۴۰۷)

۲- پیمان شکنی

پیمان شکنی از گناهانی است که رشته ی اطمینان و اعتماد جامعه را می گسلد و زیر بنای روابط اجتماعی را سست می گرداند به این دلیل به بادافره آن در متون دینی بسیار تأکید شده است.

فردوسی، پیمان شکن را سخت نکوهش کرده و معتقد است، پیمان شکن سزاوار مرگ است و باید در کام خاک جای گیرد:

مبادا که گردی تو پیمان شکن که خاک است پیمان شکن را کفن

(همان، ج ۸: ۲۷۷)

در داستان پادشاهی یزدگرد، پیروز که عهد شاهان پیشین را شکسته با خوشنواز درگیر و کشته می شود. خوشنواز درباره او چنین می گوید:

به پیروز بر اختر آشفته شد نه بر کام من شاه تو کشته شد
 چو بشکست پیمان شاهان داد نبود از جوانیش یک روز شاد
 نیامد سپند جهان آفرین تو گویی که بگرفت پایش زمین
 هر آن کس که عهد نیا بشکند سر راستی را به پای افکند

(همان: ۱۹)

در این ابیات، به عهدشکنی پیروز و شکست و مجازات او بر اثر این پیمان شکنی به صراحت اشاره شده است.

۳- حرص و آز

آز و آزمندی در نزد ایرانیان باستان بسیار ناپسند و زشت چهره بوده است. آنان آز را از دیوان بسیار زورمند تلقی می‌کرده‌اند، تأثیر این عقیده در شاهنامه کاملاً مشهود است در آثار پهلوی، آز، دیوی است تباهاکار، که نام آن جزء شش اَبَر دیو و سپاهسالار لشکر اهریمن نیز آورده شده است و چهار سپهبد خشم و زمستان و پیری و خطر برای همکاری با او گمارده شده‌اند (شجری، ۱۳۸۲، ش ۱: ۶۶).

آزمندی در شاهنامه ویژه پادشاهان انیرانی چون اسکندر و افراسیاب نیست. کیکاوس خودکامه و خودرای ایرانی نیز بنده آز و نیاز است. بلندپروازی و آزمندی او را به مرز مازندران و هاماوران می‌کشاند و آن همه رنج و درد و مشقت و مصیبت را بر خود و ایرانیان به‌ویژه رستم روا می‌دارد. جنگ‌طلبی او سیاوش را از او می‌رنجاند و به کام و دام تورانیان می‌اندازد و عجیب اینکه این پادشاه آزمند و نصیحت‌ناپذیر و تندخو با این‌که حاصل تلخ‌کامی‌ها و آزمندی‌های خویش را می‌چشد و بارها از کرده خود پشیمان می‌شود، باز در آز را می‌کوبد و هوای پرواز را هم در سر می‌پروراند گویی در این جهان فراخ نمی‌گنجد و به قول فردوسی عزم فلک کند تا شاید به ملک رسد یا با آسمان بلند بجنگد و آن را در سلطه خویش درآورد. لذا با کمک چهار عقاب تربیت شده و گرسنه در آسمان‌ها به پرواز درمی‌آید ولی طولی نمی‌کشد که عقاب‌ها خسته و مانده از پای درمی‌آیند و از فراز ابرها نگونسار می‌شوند، کیکاوس سقوط می‌کند و یک بار دیگر نتیجه آز-مندی‌های خویش را می‌بیند:

پریدند بسیار و ماندند باز چنین باشد آن کس که گیردش آز
نگونسار گشتند ز ابر سیاه کشان بر زمین از هوا تخت شاه

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۵۳)

فردوسی در شاهنامه، همواره بر لزوم و بایستگی قناعت تأکید می‌کند و از آزمندی و زیاده-خواهی برحذر می‌دارد و معتقد است، نتیجه آزمندی تکاپوی بی‌حاصل و آرامش را از انسان سلب می‌کند:

توانگر شود هر که خشنود گشت دل آزور خانه دود گشت
که را آزور بیش تیمار بیش بکوش و بیوش و منه آز پیش

(همان، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۴۴)

چو خرسند باشی تن‌آسان شوی چو آز آوری زو هراسان شوی

(همان، ج ۷: ۱۹۳)

۴- دروغ

دروغ از گناهان سخت ناپسندی است که هم در فرهنگ ایران باستان و هم در آموزه های دینی بر ترک آن تأکید شده است و مرتکب آن بسیار مورد نکوهش واقع شده است.

از دید فردوسی، دروغگو اعتبار و منزلت خود را هم در دنیا از دست می‌دهد و فروغ ایزدی از او دور می‌شود و هم در عرصه قیامت که عرصه بروز اسرار نهان و تجسم اعمال و افکار انسان-هاست. دروغگویی که در این دنیا قلب‌های سیاه و تاریک دارند. در آنجا این حال درونی آن‌ها به بیرون منتقل می‌شود و چهره‌هایشان تاریک و سیاه خواهد بود:

رخ پادشاه تیره دارد دروغ بلندیش هرگز نگیرد فروغ

(همان، ج ۶: ۲۳۲)

زبان را مگردان به گرد دروغ چو خواهی که تخت از تو گیرد فروغ

(همان، ج ۷: ۴۰۶)

هر آن‌کس که بسیار گوید دروغ به نزدیک شاهان نگیرد فروغ

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۸: ۵۴)

اگر جفت گردد زبان بر دروغ به نزدیک شاهان نگیرد فروغ

(همان: ۱۴۴)

گناهان دیگر نیز همچون خشم، بدگوهری، ناسپاسی و غیبت وجود داد که بیان آن در حوصله این مقاله نمی‌گنجد. همچنین در شاهنامه بعضی از پهلوانان و یا شخصیت‌ها نیز، پاداش اعمال خود را در همین دنیا می‌چشند که به ذکر نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. در داستان پادشاهی پیروزشاه، این پادشاه به جرم سرپیچی از بهرام گور و به بادافره این پیمان‌شکنی در خندق افتاده، جان خود را از دست می‌دهد:

چو بشکست پیمان شاهان داد نبود از جوانیش یک روز شاد

نیامد پسند جهان‌آفرین تو گویی که بگرفت پایش زمین

(همان، ج ۸: ۲۱/ب-۲۵۸-۲۵۹)

۲. در داستان رفتن گسته‌م و خراد به نزدیک قیصر، پرویز به هنگام رفتن بندوی و گسته‌م به عزم کشتن هرمز (پدر او) مانع آن‌ها نمی‌شود و بدین سان در قتل پدر با آنان هم‌داستانی می‌کند. سرانجام پسر وی، شیرویه در کشتن او، با سکوت خویش به آنان هم‌داستانی می‌کند. بزرگان، مهرهمزد زشت و پلشت را به سراغ پرویز می‌فرستند و این مرد او را با دشنه از پای درمی‌آورد. بدین ترتیب سرنوشت، وی را به کیفر می‌رساند:

بشد مهر هم‌رمزد خنجر به دست	در خانه پادشا را بیست
سبک رفت و جامه از او درکشید	جگرگاه شاه جهان بر درید
بپیچید و برزد یکی سرد باد	به زاری بر آن جامه بر جان بداد
بدین گونه گردد جهان جهان	همی راز خویش از تو دارد نهان
سخن‌سنج بی رنج گر مرد لاف	نبیند ز کردار او جز گزاف

(همان، ج ۹: ۲۸۰-۲۸۳/ب/۴۱۹-۴۶۴)

۳. در داستان خسرو و شیرین، شیرین که مریم هووی خویش را با زهر هلاهل مسموم کرده است، سرانجام به ناگزیر خود را با همان زهر می‌کشد و کیفر گناه کرده را پس می‌دهد:

هم آنگاه زهر هلال بخورد	ز شیرین روانش برآورد گرد
نشسته بر شاه پوشیده روی	به تن بر یکی جامه کافور بوی
به دیدار پشتش نهاد و بمرد	بمرد و ز گیتی نشانش ببرد

(همان: ۲۹۱-۲۹۲/ب/۵۸۳-۵۹۷)

نتیجه‌گیری

پاداش و کیفر از اهداف آفرینش و لازمه عدالت الهی است و بدون آن نظام آفرینش دچار آسیب و خلل و آشفتگی و پریشانی می‌شود.

قرآن مجید با بیان داستان‌ها و تمثیلات گوناگون به انواع پاداش‌ها و کیفرهای دنیوی و اخروی نیکوکاران و بدکاران اشاره کرده است. اهمیت این موضوع تا حدی است که بعضی از اعمال نیک یا بد می‌توانند تقدیر الهی را نیز دچار تغییر و دگرگونی کنند، چنانکه صله رحم و صدقه، موجب افزایش عمر و دفع بعضی از بلاهای مقدر می‌شود.

فردوسی در ضمن داستان‌ها با بیان نکات حکمی و اخلاقی بارها به شرح پاداش و عقوبت کارها پرداخته است. او معتقد است که جهان، جهان مکافات است و هر عملی بازتاب و عکس العملی در این جهان و جهان آخرت در پی دارد و به تعبیر دیگر هر تخرمی که در این دنیا کاشته شود در جهان آخرت درو می‌شود. او رفتار انسان‌ها را از چشم آسمان و سپهر پنهان نمی‌داند و بر این باور است که دست فلک همواره در پی پاداش نیکو کاران و انتقام از بدکاران است، این موضوع بسامد بالایی در شاهنامه دارد. داستان بهرام و لنبک، کشته شدن دارا به دست وزیران در داستان بهرام گور و ده‌ها داستان دیگر نمونه‌ای از این دست داستان‌هاست. از آن جا که شاهنامه روایت شاهان گذشته است، نگاه فردوسی بیشتر متوجه رفتارهای این طبقه از جامعه است و بخشش و قهر طبیعت و یا حتی بدرفتاری مردم را نیز تا حد زیادی متأثر از رفتارهای حاکمان خویش می‌داند. دادگری و خوش‌رفتاری حاکمان با مردم، موجب آبادانی کشور و پایداری پادشاهی می‌شود و گناهیانی چون ظلم و ستم، پیمان‌شکنی، حرص و آز، دروغ و... موجب تباهی و ویرانی کشور شده و عقوبت سنگین‌تری در دنیا و آخرت دارند.

فردوسی معتقد است عاقبت همه انسان‌ها مرگ است و فقط نام نیک است که از انسان‌ها به جا می‌ماند و شاهان زیادی از جمله فریدون علی‌رغم داد و دهش و فرمانروایی گسترده، سرانجام در خاک رفتند و فقط نام نیک و بد آن‌هاست که در صحنه روزگار باقی مانده است.

منابع و ماخذ

- قرآن کریم
- آشتیانی، جلال‌الدین، (۱۳۶۸)، تحقیق در دین مسیح، بی‌جا: نشر نگارش.
- آترمن، الن، (۱۳۸۵)، باورها و آیین یهودی، ترجمه رضا فرزین، ج ۱، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- انجیل عیسی مسیح (ترجمه تفسیری)، (۱۳۵۷)، تهران: آفتاب عدالت.
- انصاری، محمدعلی، بی‌تا، غررالحکم و درر الکلم، بی‌جا: بی‌نا
- حبیب شختر، اریه نیلومن، اهرن بیر، (۱۹۷۷م)، واژه‌های فرهنگ یهود، مترجمین، منته میر، نصرت نصرت‌آبادی، اورشلیم: انجمن جوامع یهودی.
- دشتی، محمد، (۱۳۸۳)، نهج‌البلاغه، ج ۲، قم: مسجد مقدس جمکران.
- رنجبری، محمدحسین، (۱۳۸۴)، سنت‌های الهی در پاداش و کیفر، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
- شجری، رضا، (۱۳۸۲)، «تحلیل و بررسی عنصر آرز در شاهنامه فردوسی»، پژوهش‌های ادبی، شماره ۱.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۴)، شاهنامه، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، ج ۲، تهران: نشر قطره.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۶)، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، ۱۳۸۶، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ.
- کزازی، میرجلال‌الدین، (۱۳۸۶)، نامه باستان ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی، ج ۱، چ ۶، تهران: سمت.
- کلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۹۲)، اصول کافی، الطبعة الرابعة، ترجمه ی‌یدالله الحاج الشیخ محمد باقر الکهرئی، طهران: من نشورات المكتبة الاسلامیه.
- مشکور، محمدجواد، بی‌تا، دینکرد، بی‌جا: بی‌نا.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۷)، میزان الحکمه، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث

